

مقاله پژوهشی:

بهره‌گیری از رویکرد پویایی سیستمی به منظور تحقق عدالت در اقتصاد مقاومتی

hrezae@pnu.ac.ir

حسین رضائی / استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور سمنان

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

چکیده

«عدالت» مفاهیم و معیارهای متعددی دارد. با هر مفهومی، ثمره تحقق آن کاهش شکاف طبقاتی، کاهش فقر و افزایش درآمد سرانه خواهد بود. این نقش مؤثر عدالت اقتصادی سبب شده که از ارکان اقتصاد مقاومتی قرار داده شود. این مقاله کوشیده مؤلفه‌های «عدالت اقتصادی» را از بطن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی استنباط کند. سپس با استفاده از رویکرد پویایی سیستمی، روابط علی و معلولی عوامل ایجادکننده شکاف طبقاتی را با نرم‌افزار «ونسیم» ترسیم کند تا با این روش آفت‌ها و موانع تحقق عدالت اقتصادی را مشخص کند. مقایسه مؤلفه‌های عدالت در اقتصاد مقاومتی با الگوهای علی - معلولی ذکر شده، نقشه راه عدالت اقتصادی را فراهم می‌آورد. تجزیه و تحلیل روابط علی و معلولی نشان می‌دهد درآمدهای نفتی در بودجه دولت سهم بالایی داشته است. این وابستگی سبب بی‌توجهی دولت به بهبود فضای کسب‌وکار، اصلاح ساختار مالیاتی و بی‌انضباطی مالی دولت شده و حاصل آن افزایش بیکاری، نرخ تورم و کسری دائمی بودجه دولت است. نتایج نشان می‌دهد بدون اصلاح ساختار مالیاتی، انضباط مالی دولت و بهبود فضای کسب‌وکار نمی‌توان به کاهش شکاف طبقاتی در بلندمدت امید داشت.

کلیدواژه‌ها: عدالت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، پویایی سیستمی.

طبقه‌بندی JEL: D63, R10, R12, O10.

تحقق عدالت اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف نظام‌های اقتصادی، به‌ویژه نظام اقتصادی اسلام است. آیات و روایات فراوانی بر اهمیت اجرای عدالت - به‌طور کلی - و عدالت اقتصادی - به صورت خاص - تأکید دارد تا جایی که می‌توان گفت: اجرای عدالت ویژگی جدایی‌ناپذیر شریعت اسلام است. امام خمینی^ع در این‌باره معتقد است: «زمامداری [برای حضرات ائمه علیهم السلام] فقط از جهت اینکه بتوانند حکومت عدل را برپا کنند و عدالت اجتماعی را بین مردم تطبیق و تعمیم دهند اهمیت داشته است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۶۵).

براین اساس با توجه به رسالت نظام جمهوری اسلامی، تحقق این مفهوم و کاهش شکاف وضع موجود تا نقطه مطلوب همواره از دغدغه‌های مسئولان نظام، به‌ویژه مقام معظم رهبری بوده است. از نظر ایشان عدالت هدف است و رشد و توسعه مقدمه تحقق عدالت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۶/۸). عدالت باید با توسعه و رشد اقتصادی در کنار هم و با هم تحقق یابد و این‌گونه نباشد که ابتدا به رشد و توسعه اقتصادی برسیم، سپس در پی تحقق عدالت باشیم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۴/۶).

برنامه‌ریزی به‌منظور تحقق عدالت اقتصادی مستلزم فهم مشکلات و چالش‌های کنونی حاکم در فضای اقتصاد ایران است. فهم این چالش‌ها به همراه درک عملیاتی تحقق عدالت اقتصادی، ما را در یافتن راه‌حل‌های مناسب برای برون‌رفت از این مشکلات و پیمودن فاصله وضع موجود تا وضع مطلوب یاری می‌کند.

نکته قابل توجه اینکه غالب پدیده‌های اجتماعی ماهیتی سیستمی و پویا دارند. «عدالت» یک مفهوم اجتماعی است و روابط حاکم بر اجزای این پدیده‌ها یک‌طرفه نبوده، بلکه یک رابطه علیّی دو طرفه بین اجزا برقرار است. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که در کوتاه‌مدت رابطه علیّی بین بسیاری از پدیده‌ها مشاهده نشود، بلکه این رابطه در بلندمدت آشکار گردد. همچنین باید تمام عوامل مؤثر در ایجاد یک بحران را در نظر گرفت و جزءنگری سبب افزایش بحران می‌شود. تفکر سیستمی این امکان را فراهم می‌کند. مفهوم «عدالت اقتصادی» در قالب روابط علیّی به خوبی قابل تبیین است.

به همین سبب، در این مطالعه سعی شده علاوه بر استخراج مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی عدالت با الهام از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سازوکار تحقق عدالت اقتصادی نیز براساس مبانی علمی اقتصاد الگوسازی گردد. تا از این طریق عوامل مؤثر بر کاهش شکاف طبقاتی به صورت سیستمی نشان داده شود. در بررسی‌های انجام‌شده تاکنون در بحث «عدالت در اقتصاد مقاومتی» مطالعه و پژوهشی با رویکرد تطبیقی براساس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و رویکرد پویایی سیستمی انجام نشده است.

در ادامه، ابتدا مفهوم «عدالت» در بیانات مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مرتبط با عدالت بیان می‌شود. سپس عدالت از منظر اندیشمندان اسلامی به اجمال تبیین می‌گردد. پیشینه تحقیق و بیان مطالعات انجام‌شده در بحث شکاف طبقاتی بیان خواهد شد. مقایسه مؤلفه‌های عدالت در اقتصاد مقاومتی و رویکرد سیستمی و نتیجه‌گیری هم‌بخش‌های پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد.

اقتصاد مقاومتی و مقوله عدالت

یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی تحقق عدالت اقتصادی - اجتماعی در جامعه است. مقام معظم رهبری در تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی را اقتصاد مقاومتی نامید و تحقق آن را موجب حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های گوناگون و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و عمل به اصول قانون اساسی و غلبه بر مشکلات اقتصادی خواند. این اقتصاد متکی بر دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، مردم‌محور، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیش‌روست و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت می‌بخشد. به اجمال، «اقتصاد مقاومتی» یعنی تحقق بخشیدن به یک الگوی اقتصادی فعال، مرفعی، متعالی و جهادی با هدف برخورد مؤثر با موانع، فشارها و اختلال‌های اقتصادی داخلی و خارجی تا علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری و وابستگی کشور در همه شرایط، به‌ویژه شرایط فشار و تحریم، موجبات رشد و توسعه درون‌زا و «قائم به ذات و غیرقائم به غیر» عادلانه را فراهم سازد.

براین اساس، عدالت‌محوری به موازات پیشرفت اقتصادی (رشد پویا، توسعه پایدار)، فرهنگ و مدیریت جهادی، از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی است. براساس آموزه‌های اقتصادی اسلام و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای ایجاد فرصت‌های برابر از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی موردنظر اسلام است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۶/۴ و ۱۳۷۴/۶/۸).

«عدالت» از منظر مقام معظم رهبری

با توجه به اینکه یکی از مبانی اصلی الگوسازی تحقیق حاضر، فرمایش‌های مقام معظم رهبری و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است، این نوشتار به بررسی این مفهوم از دیدگاه ایشان پرداخته است.

مقاله حاضر کوشیده ابتدا خطوط مهم و اساسی تفکر کلان و راهبردی ایشان در زمینه «عدالت اجتماعی» را برجسته سازد و سپس در مواردی وجه امتیاز این نظرات را از جریان فکری غالب معاصر در غرب، به‌ویژه در تفکر لیبرال - دموکراسی حاکم بر بیشتر جوامع معاصر آشکار سازد.

ایشان «عدالت» را فلسفه وجودی مسئولان می‌داند: «فلسفه وجودی ما تحقق عدالت است. رشد اقتصادی باید همپای عدالت پیش برود؛ برنامه‌ریزی کنند و راهش را پیدا کنند». اساساً فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها، از نظر رهبر معظم انقلاب از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی مطمحنظر اسلام است.

آنچه از بیانات مزبور درباره مفهوم «عدالت» به دست می‌آید این است که ایشان کاهش شکاف طبقاتی، کاهش فقر و فساد و استفاده برابر از امکانات و فرصت‌ها برای تمام افراد جامعه را از جمله مهم‌ترین نتایج تحقق عدالت می‌داند. در باب اهمیت و اولویت تحقق عدالت اعتقاد ایشان بر این است که مسئولان در برنامه‌ریزی‌ها مسئله «برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور» را در درجه اول قرار دهند؛ زیرا یکی از ارکان عدالت همین

موضوع است. به نظر ایشان، البته همه مفهوم «عدالت» این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم، گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴/۶/۸).

به اعتقاد ایشان تحسین عدالت و عشق ورزیدن به آن و سخن گفتن فلسفی درباره آن کافی نیست، بلکه همت اصلی باید بر آن باشد که مناسبات اجتماعی در عرصه‌های گوناگون حیات جمعی بر مبنای عدالت باشد. ایشان می‌فرماید: در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های اجرایی، بخصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه اخلاص، درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم‌درآمد است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰/۳/۱۳).

جایگاه عدالت اجتماعی در میان فضایل اجتماعی

درباره جایگاه برتر عدالت اجتماعی، ایشان معتقد است: اولین وظیفه نظام اسلامی برپایی قسط و عدل است. حتی رفاه اجتماعی در جهت اجرای قسط و عدل است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۴/۲۵). ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

هدف ما استقرار عدل در جامعه است. ما این را می‌خواهیم. همه کارها برای اقامه عدل ارزش پیدا می‌کند. در جامعه نابرابر، اگر ثروت هم زیاد شد، به سود یک قشر و یک گروه از مردم است. اما در جامعه‌ای که برابری و عدالت جریان داشته باشد، به سود همه است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

رهبر معظم انقلاب بر این نکته تأکید دارد که توسعه و پیشرفت باید جهت‌دار باشد و در چارچوب تأمین عدالت اجتماعی تعریف شود. ایشان می‌فرماید:

ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن فکر نکنیم. نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و باهم داشته باشیم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۶/۴).

بعضی این تصور را می‌کنند که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی بپردازیم. این فکر اسلامی نیست. عدالت هدف است و رشد و توسعه مقدمه عدالت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۶/۸).

از نظر ایشان موضوع «عدالت اجتماعی» آن قدر مهم است که خود پیش‌زمینه و مقدمه‌ای برای کمال انسانی است. ایشان در این زمینه می‌گوید:

ما کارهای گوناگون [رفاه، سازندگی، توسعه] را برای قسط و عدل می‌خواهیم، برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بیشتری برسند و کمال انسانی خود را به دست آورند. قسط و عدل یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است.

وظیفه دولت در قبال عدالت اجتماعی

رهبر معظم انقلاب با اتکا به روایات فراوان موجود در منابع اسلامی، دفاع از محرومان و مستضعفان و فقرزدایی و تسکین آلام طبقات ضعیف جامعه؛ کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها را از وظایف مهم دولت اسلامی و از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی منظور اسلام می‌داند. خطاب ایشان در این باره به مسئولان دولتی چنین است:

به نظر ما، عدالت کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ای جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است دچار محرومیت باشد، اما آنجایی که نزدیک است برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱/۱/۱۳۸۸).

لزوم توجه به شاخص‌ها و معیارهای عدالت

رهبر معظم انقلاب بر این نکته مهم تأکید می‌کند که هر عرصه از عرصه‌های حیات جمعی اقتضانات خاص خود را دارد و برای تحقق عدالت در آن عرصه شاخص‌ها و معیارهای ویژه آن عرصه باید تعریف شود.

عدالت به چه طریق تأمین می‌شود؟ یعنی واقعاً یک مقیاس لازم است، یک معیاری لازم است، برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های فرهنگی، بخش‌های آموزشی و پرورشی یا آموزش عالی چگونه عدالت تأمین می‌شود. این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم، در مقام عمل و در مقام اجرا به آن عدالت موردنظر برسیم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۸/۶/۸۹).

ضرورت درآمیختن عدالت با معنویت و عقلانیت

ایشان از یک سو بر این نکته اصرار دارد که تحقق عدالت نیازمند بسط اعتقاد به مبدأ و معاد و معنویت در سطح جامعه است و تا این اعتقادات در میان آحاد جامعه دامن‌گستر نشود، عدالت اجتماعی واقعی و موردنظر اسلام پیاده نمی‌شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۲۷/۲/۱۳۹۰) و از سوی دیگر، بر لزوم برخورداری مسئولان دولتی و مجریان عدالت اجتماعی از معنویت و عقلانیت تأکید دارد.

عقلانیت اقتضا می‌کند که مجریان و دست‌اندرکاران تحقق عدالت در هر عرصه از عرصه‌های اجتماع از تجارب عقلایی سایر ملت‌ها و نیز از تدبیر و محاسبه و دقت کافی از نظرات صاحب‌نظران - که اقتضای کار معقول و سنجیده است - بهره‌مند باشند. ایشان در این باره می‌گویند:

در عدالت، هم عقلانیت باید مورد توجه باشد، هم معنویت. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می‌شود یک شعار توخالی. خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند، اما چون معنویت و آن‌گاه معنوی نیست، بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می‌کند. دوم عقلانیت، اگر عقلانیت در عدالت نباشد گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود... در عدالت، عقلانیت شرط اول است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳/۸/۱۳۸۸).

آنچه ذکر شد دربردارنده خطوط اصلی تفکر رهبر انقلاب اسلامی در زمینه «عدالت اجتماعی» است و مشتمل بر همه زوایای اندیشه ایشان درباره عدالت نیست.

اقتصاد مقاومتی و عدالت اقتصادی

با مروری بر رهنمودها و توجه به بندهای «سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» اعلام‌شده از سوی مقام معظم رهبری، می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی از سه رکن «دانش‌بنیان» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۸/۵/۱۳۹۱)، «عدالت‌بنیان» (همان، نامه ابلاغ سیاست‌های کلی، ۲۹/۱۱/۱۳۹۲) و «مردم‌بنیاد» (همان، ۱/۱/۱۳۹۳) تشکیل شده است. در کنار این بنیان‌های اصلی، هدف اقتصاد مقاومتی تأمین رشد پویا، بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله است و این سیاست‌ها با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیش‌رو و برون‌گرا ابلاغ شده است.

در بند اول سیاست‌های کلی، بر «ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط» تأکید شده است. در بند چهارم، «استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت مصرف انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی» سخن گفته شده است. در بند پنجم، «سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف» مورد توجه قرار گرفته و در بند نوزدهم، آنجا که از «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، و ارزی» سخن به میان آمده، برخی ملازمان ایجابی و سلبی عدالت ذکر شده است. در بند بیست و سوم نیز «شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار»، متضمن بسترسازی و راه‌کارهای تحقق عدالت اقتصادی است که می‌تواند هر دو گونه عدالت «توزیعی» و «تخصیصی» را به نوعی پوشش دهد.

با تحلیل محتوا و مفهوم‌سازی، مؤلفه‌های عدالت به‌عنوان یکی از بنیان‌های اقتصاد مقاومتی در

جدول ۱: مؤلفه‌های عدالت اقتصادی براساس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

مؤلفه‌های بنیان عدالت	ارجاع به سیاست‌های کلی
شالوده عادلانه اقتصاد (عدالت‌بنیان)	مقدمه
شفافیت اقتصاد	۱۹
سلامت اقتصاد	۱۹
فقدان اسراف (کارایی)	۱۶
فقدان تبذیر (اثربخشی)	۱۶
فقدان شکاف درآمدی	۱
پوشش تأمین اجتماعی و فقدان محرومیت اقتصادی	۴
مشارکت فراگیر آحاد جامعه و عدم انحصار (حداکثر مشارکت آحاد جامعه با تأکید بر نقش‌پذیری طبقات کم‌درآمد و متوسط در اقتصاد)	۱
مردمی بودن اقتصاد	مقدمه - ۱
اعطای کامل حقوق عوامل تولید (سه‌م‌بری عادلانه)	۵
وجود عدالت توزیعی	۴ و ۲۳
قانون‌گرایی	مقدمه
انضباط اقتصادی	۹، ۱۶، ۱۹

عدالت در نگاه اندیشمندان داخلی

در بین اندیشمندان اسلامی، شهید مطهری معتقد است: عدالت در متون اسلامی به چهار معنا به کار رفته است:

(الف) موزون بودن؛ که نقطه مقابل ظلم نیست، بلکه بی‌تناسبی است.

(ب) تساوی و نفی هرگونه تبعیض؛

(ج) رعایت حقوق افراد و اعطای حق هر ذی‌حقی به او؛

(د) رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان یا کمال وجود دارد.

ایشان همچنین خاطر نشان می‌سازد: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است و نه در سلسله معلومات». نه این است که آنچه دین گفت عدالت است، بلکه آنچه را عدل است را دین می‌گوید (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۸۵).

نعمتی و جهان‌بین (۱۳۹۴)، تعریف «عدالت» از منظر پارادایم مسلط را تعریف کارکردی و از منظر اندیشه اسلامی تلقی معناگرایانه می‌دانند. از منظر اول تنها توزیع پس از تولید در تعریف لحاظ می‌شود و شاخص‌های اندازه‌گیری عدالت همان شاخص‌های توزیع درآمد یا امکانات اقتصادی تلقی می‌شود. بر این مبنا به کمک شاخص‌های توزیع درآمد نوعاً کارکردی (عاملی)، نسبی (همچون ضریب جینی و شاخص تایلر) و مطلق (مانند خط فقر و شکاف فقر)، نابرابری را اندازه‌گیری می‌کنند و نابرابری بیشتر را معادل بی‌عدالتی تلقی می‌کنند.

عیوضلو (۱۳۸۶) بر این باور است که معیارهای عدالت اقتصادی از منظر اسلام عبارت است از:

- در مالکیت‌های عمومی و همگانی حق برخورداری برابر؛
- در مالکیت‌های خصوصی ارزش افزوده حقیقی؛
- در مالکیت‌های دولتی (انفال) کارایی فنی؛
- در بازار و کل اقتصاد کارایی تخصصی (عیوضلو، ۱۳۸۶، ص ۶۰).

پیشینه تحقیق

نیلی و فرحبخش (۱۳۷۷)، بر این باورند که اقتصاد عدالت‌محور صرفاً از طریق «نظام بازار» در دسترس است، و عدالت به بهترین نحو ممکن وقتی حاصل می‌شود که اصول اقتصاد بازار رقابتی بر عرصه اقتصاد حاکم شود. علاوه بر این سبحانی (۱۳۹۳) معتقد است: در اقتصاد عدالت‌محور اخلاق رفتاری در عرصه‌های گوناگون تولید، مصرف و توزیع حاکمیت دارد و این اخلاق معطوف به اصول اسلام است که خود بر بنیان عدالت گذارده شده است (سبحانی، ۱۳۹۳).

عدالت براساس یک تقسیم‌بندی به دو گروه «عدالت تخصیصی» و «عدالت توزیعی» تقسیم می‌شود (عبدالملکی، ۱۳۹۲، ص ۳۴). در عدالت تخصیصی به حقوق اموال و افراد توجه می‌شود؛ یعنی به فعلیت رسیدن استعداد منابع تولیدی. امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره عدل می‌فرماید: «العدل یضع الامور فی مواضعها» (نهج البلاغه، ص ۹۴۳، حکمت ۴۳۷)؛ هر چیزی را در جایگاه خود قرار می‌دهد. ذی‌حق‌ها شامل اموال و افراد می‌شود. اگر حقوق اقتصادی اموال پرداخت شود، عدالت تخصیصی محقق شده و نتیجه برقراری این عدالت تحقق حداکثری تولید است؛ اما وقتی حقوق اقتصادی انسان‌ها پرداخت شود، عدالت توزیعی محقق شده است که نتیجه آن رفع فقر و محرومیت است. بنابراین هر جنبه از تعریف هر موضوعی که در ارتباط با عدالت بررسی می‌شود بعد تخصیصی یا توزیعی آن را شامل می‌گردد. برای مثال، در خصوص مناطق آزاد اگر این وضعیت سبب بهبود وضع مردم آن منطقه گردد و توزیع درآمد را نیز شامل شود عدالت توزیعی محقق شده، و اگر سبب رشد اقتصادی شود، عدالت تخصیصی محقق گردیده است.

بحث الگوی رفتار تولیدی در قالب عدالت اقتصادی در دو دسته عدالت تخصیصی و توزیعی توضیح داده می‌شود. در صورتی که حقوق تمام افراد و منابع تولید به طور کامل پرداخت شود، عدالت توزیعی محقق شده و در صورتی که ظرفیت نهاده تولیدی به طور کامل شکوفا گردد، عدالت تخصیصی در خصوص آن نهاده (عامل) تولیدی برقرار شده است. بنابراین در صورتی که حداکثر بهره‌وری در استفاده از عوامل تولیدی اعمال شود، عدالت تخصیصی اجرا شده است.

با توجه به نکات ذکر شده، در بحث عدالت تخصیصی لازم است، اولاً، از تمام نهاده‌ها و عوامل تولید استفاده شود و نهاده‌ای معطل و بی‌کار نباشد. ثانیاً، در به‌کارگیری هر نهاده از بهترین روش تولید استفاده شود.

بخشی دست‌جردی/۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر عدالت بین زمانی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نقش ارجحیت زمانی؛ مطالعه موردی ایران» نشان می‌دهد در صورتی که یک سیاست‌گذار اقتصادی در یک افق برنامه‌ریزی بلندمدت بتواند از طریق سیاست‌های مناسب اقتصادی و اجتماعی، عدالت بین زمانی را محقق کند، مقادیر تولید سرانه افزایش خواهد یافت (بخشی دست‌جردی، ۱۳۹۰).

نظری و مظاهری/۱۳۹۰) با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۷ نتیجه گرفتند: رشد اقتصادی نابرابری در توزیع درآمد را کاهش، و تورم، بیکاری و یارانه‌های دولتی نابرابری را افزایش می‌دهد. نیلی و فرح‌بخش/۱۳۷۷) نیز نتیجه گرفتند که افزایش نرخ رشد اقتصادی، موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود، در حالی که افزایش بیکاری و تورم توزیع درآمد را بدتر خواهد کرد.

با توجه به مطالعات انجام‌شده در بحث توزیع درآمد، جعفری صمیمی و قلی‌زاده کناری (۱۳۸۶)، کمپجانی و علوی (۱۳۷۸) و جلالی نائینی و میرحسینی (۱۳۷۷) معتقدند: کاهش تورم می‌تواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی و افزایش تولید شود و از این طریق کاهش شکاف طبقاتی را در پی داشته باشد.

کمپجانی و محمدرزاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با هدف «تبیین عوامل اثرگذار بر توزیع درآمد» نشان داده‌اند که افزایش نرخ تورم در اقتصاد ایران سهم قابل توجهی در تشدید شکاف طبقاتی داشته است. یافته‌های این تحقیق همچنین بیانگر این واقعیت است که نبود فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری به صورت یکی از عوامل نابرابری درآمدی عمل کرده است. با وجود اینکه باور اصلی در بین اقتصاددانان این است که مخارج دولتی در جهش کاهش نابرابری عمل می‌کند. این پژوهش نتیجه گرفته که در اقتصاد ایران، افزایش مخارج دولت به نابرابری و شکاف درآمدی منجر شده است.

مهرگان و محسنی (۱۳۹۱) در تحقیقی رابطه علی گرنجری بین فقر و فساد را بررسی کرده‌اند. در این مقاله با استناد به اطلاعات و آمار موجود، از روش «تخمین» و تمرکز بر قابلیت فقر با استفاده از شاخص فقر انسانی (HPI) که تصویر دقیقی از وضعیت فقر جامعه را به دست می‌دهد - برای مثال، نمونه‌ای شامل ۱۲۰ کشور در حال توسعه و دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ - استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق نشان می‌دهد رابطه بین فقر و فساد همسو با هم و در یک جهت حرکت می‌کنند و یک رابطه دوسویه بین آنها برقرار است.

رویکرد پویایی سیستمی

گاهی در تحلیل پدیده‌های اقتصادی، ارتباط دوطرفه اجزا با یکدیگر را با ثابت در نظر گرفتن سایر عوامل بررسی می‌کنند، در صورتی که در غالب موارد، اجزا ارتباط متقابل با یکدیگر دارند، اما در این شرایط، نتایج صحیحی حاصل نمی‌شود. برای تحلیل سیستم‌ها، رویکرد «پویایی سیستمی» نسبت به دیگر رویکردها مناسب‌تر است. در این رویکرد، مسئله به صورت سیستمی، شبیه‌سازی می‌شود و از این طریق، می‌توان صحت ذهنیت الگوساز و الگوی طراحی شده را بررسی کرد.

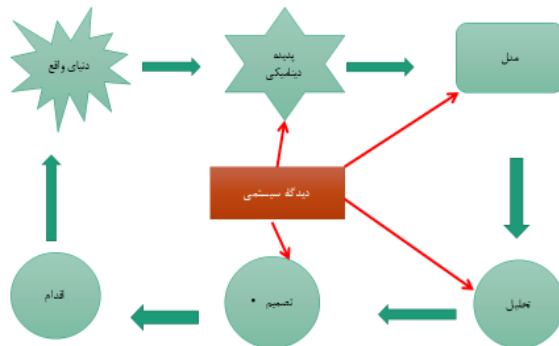
رویکرد پویایی سیستمی روشی برای تجزیه و تحلیل حل مسئله و شبیه‌سازی سیستم است (بارلاس، ۲۰۰۲، ص ۱۲۴). این روش برای تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و مسائل پیچیده به کمک ترسیم نمودارها و شبیه‌سازی رایانه‌ای به کار گرفته می‌شود که در دهه ۱۹۶۰ توسط فارستر در دانشگاه MIT توسعه داده شد (فارستر، ۱۹۶۸؛ همو، ۱۹۶۹). در واقع رویکرد پویایی سیستمی یک روش مناسب برای تجزیه و تحلیل اجزای سیستمی است که دارای روابط علی- معلولی، زیربنای منطقی و ریاضی، تأخیرات زمانی و حلقه‌های بازخورد است (چن چینگ و همکاران، ۲۰۰۵).

مزایای استفاده از رویکرد دینامیکی سیستم‌ها

- به سبب رویکرد تحلیلی و انتقادی در فرایند الگوسازی، این فرایند درک بهتری از ساختار سیستم فراهم می‌کند.
 - الگوهای پویایی سیستم امکان وارد کردن متغیرهای کیفی و کمی را به صورت همزمان در سیستم فراهم می‌آورد (لین، ۱۹۹۸).
 - دو ابزاری که برای فهم بهتر الگوسازی سیستم‌های پویا استفاده می‌شود «نمودار علی - نمودار» و «نمودار جریان حالت» است.

- در روش پویایی سیستمی برای تحلیل پدیده‌ها، روابط درونی و متقابل اجزای سیستم در طول زمان بررسی می‌شود. پویایی سیستمی اصولاً دارای نظم درونی است و این قابلیت در این رویکرد وجود دارد که براساس روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، اقتصاد و سایر علوم اجتماعی طراحی شود. از این رو، می‌توان از این ابزار برای تحلیل رفتار پدیده‌های اجتماعی با دیدگاه سیستمی و پویا استفاده کرد. در این روش مسائل و چالش‌های موجود با دیدگاه سیستمی و پویا تجربه و تحلیل می‌شود.

نقش تفکر سیستمی در بررسی و تحلیل پدیده



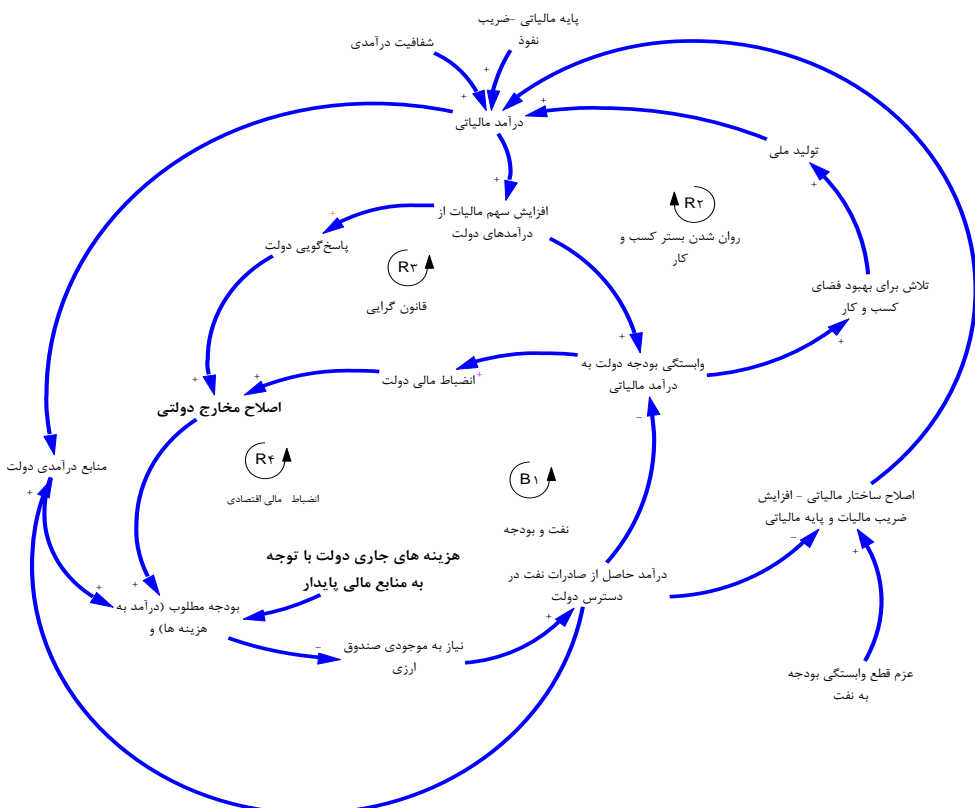
در ابتدا، مسئله تحقیق که عبارت است از: «گسترش شکاف طبقاتی» در قالب مفهوم «عدالت» مطرح می‌شود. سپس عوامل مؤثر و بنیادین گسترش شکاف طبقاتی با استفاده از ادبیات موضوع و نظریات اندیشمندان این حوزه شناسایی و بررسی می‌شوند. در گام بعدی الگوسازی سیستم، تعیین مرز الگو، ترسیم

روابط علی و چارچوب سیاست شناسایی می‌گردد. در این چارچوب، مفهوم «عدالت» با دیدگاه سیستمی به صورت‌بندی کامل در قالب حلقه‌های بازخوردی، متغیرها و پارامترها تعریف می‌شود. بدین منظور، الگوی مورد مطالعه این مقاله در قالب نمودارهای علی - معلولی استخراج و رفتار الگو به صورت درونی تشریح می‌گردد. با توجه به ترسیم لایه‌های پنهان مؤثر بر شکاف طبقاتی - مانند وابستگی بالای بودجه به درآمدهای نفتی و بی‌نیازی از درآمدهای مالیاتی - علل پنهان افزایش شکاف طبقاتی را تحلیل و متناسب با آن تصمیم‌گیری و اقدام می‌شود. نتیجه این اقدام کاهش شکاف طبقاتی و ضریب جینی است. این چرخه با دیدگاه سیستمی و پویا ادامه دارد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق و طراحی و توضیح روابط علی و معلولی، الگوی کلی در سه زیر الگوی «مالیات»، «رفاه عمومی - شکاف طبقاتی» و «تورم» ترسیم می‌شود:

الف. روابط علی زیر الگوی مالیات

شکل ۲: الگوی علی و معلولی مالیات



درآمد غالب دولت از دو بخش «درآمد مالیاتی» و «درآمد حاصل از صادرات نفت خام» تشکیل شده است. افزایش هریک از منابع درآمدی دولت را در ارائه خدمات اجتماعی مطلوب و کاهش شکاف طبقاتی یاری می‌کند (حلقه

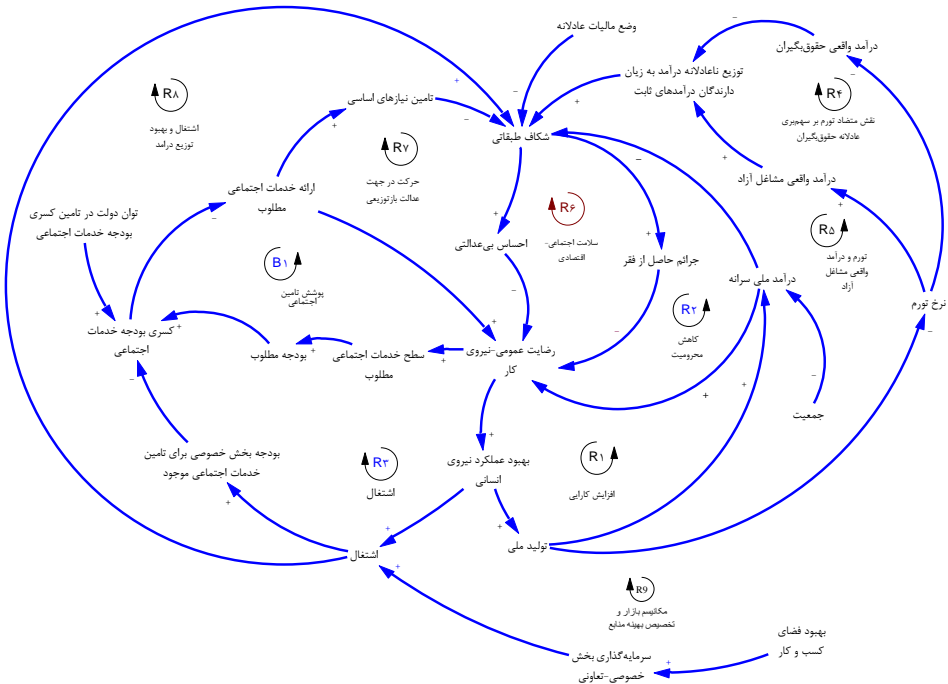
تقویت‌کننده (R7). از سوی دیگر، هرچه سهم درآمدهای نفت در بودجه کمتر شود، وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی بیشتر می‌گردد. دولت به منظور افزایش درآمد خود از محل مالیات‌ها، می‌کوشد با اصلاح فضای کسب و کار، درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد (روان شدن بستر کسب و کار R8). با افزایش بودجه مطلوب حاصل از افزایش درآمد مالیاتی، نیاز به منابع ارزی حاصل از درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد. در نتیجه سهم نفت در بودجه کم می‌شود (حلقه متوازن نفت و بودجه B2).

افزایش درآمد مالیاتی سبب افزایش سهم مالیات از درآمدهای دولت می‌شود. کاهش سهم درآمدهای نفتی و افزایش درآمدهای مالیاتی سبب افزایش پاسخ‌گویی دولت و در نتیجه آن اصلاح مخارج دولتی و استفاده بهینه از بودجه (بهبود عملکرد مالی) دولت خواهد شد (حلقه شفافیت درآمدی R۵). افزایش وابستگی بودجه دولت به درآمد مالیاتی سبب بهبود انضباط مالی دولت و افزایش بودجه مطلوب دولت (نسبت درآمدها به هزینه‌ها) خواهد شد. در نتیجه وابستگی دولت به درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد (حلقه انضباط مالی دولت R10).

اصلاح ساختار مالیاتی از دو طریق «گسترش پایه مالیاتی» و «اصلاح ضریب مالیاتی» محقق می‌شود. با اصلاح ساختار مالیاتی و وضع مالیات عادلانه، شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد و با افزایش رضایت عمومی و بهبود عملکرد نیروی انسانی (افزایش بهره‌وری نیروی کار)، تولید ملی افزایش می‌یابد. افزایش تولید سبب افزایش درآمد مالیاتی می‌شود (حلقه عدالت مالیاتی R6).

ب. روابط علی زیر الگوی رفاه عمومی - شکاف طبقاتی

شکل ۳: الگوی علی - معلولی رفاه عمومی و شکاف طبقاتی



از نظر عدالت اجتماعی همه افراد باید حداقل رفاه را داشته باشند و بتوانند نیازهای اولیه خود را برطرف کنند. بنابراین توصیه می‌شود یارانه به کالاهای اساسی تعلق بگیرد. دولت از پرداخت یارانه، سه هدف عمده دنبال می‌کند: تخصیص بهینه منابع، ثبات اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها.

پرداخت یارانه با هدف برقراری عدالت در دو سطح انجام می‌شود: بخشی از خدمات اجتماعی ارائه‌شده برای عموم جامعه است و بخشی دیگر ویژه نیازمندان به منظور تأمین نیازهای اساسی آنها. به منظور فراهم آوردن سطح مطلوب خدمات اجتماعی بودجه معینی نیاز است. مابه‌التفاوت بودجه خدمات اجتماعی موجود با بودجه لازم برای سطح مطلوب خدمات اجتماعی مورد انتظار، کسری بودجه خدمات اجتماعی را ایجاد می‌کند. هر قدر بودجه خدمات اجتماعی موجود بیشتر باشد امکان ارائه خدمات اجتماعی مطلوب بیشتر می‌شود و در نتیجه با افزایش رفاه عمومی، به ویژه در مناطق محروم، رضایت عمومی افزایش می‌یابد. هر قدر سطح رضایت عمومی بیشتر باشد توقع ارتقای خدمات اجتماعی مطلوب بیشتر می‌شود (پوشش تأمین اجتماعی B1). از سوی دیگر، افزایش سطح خدمات اجتماعی سبب کاهش شکاف طبقاتی می‌شود، به گونه‌ای که کاهش شکاف طبقاتی احساس بی‌عدالتی را در جامعه کاهش می‌دهد و در نهایت بر رضایت عوامل تولید (نیروی کار) می‌افزاید (حرکت در جهت عدالت توزیعی R7).

افزایش رضایت عمومی سبب بهبود بهره‌وری نیروی انسانی و به تبع آن افزایش تولید ملی می‌شود. با توجه به جمعیت موجود، افزایش تولید ملی درآمد سرانه را افزایش می‌دهد. مطالعات متعددی ارتباط مستقیم بین افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد را نشان می‌دهد. در واقع، هر عاملی که سبب افزایش رشد اقتصادی شود سبب بهبود توزیع درآمدی خواهد شد (افزایش کارایی R1).

از سوی دیگر، افزایش درآمد سرانه می‌تواند همراه با وضع مالیات‌های عادلانه، شکاف طبقاتی را کاهش دهد (کاهش محرومیت R2). همچنین افزایش تولید ملی حاصل از بهره‌وری نیروی انسانی، سودآوری بخش تولید را افزون می‌سازد که این امر می‌تواند با افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال را افزایش دهد. افزایش اشتغال مستقیماً سبب کاهش فقر و شکاف طبقاتی می‌شود. در واقع، نبود فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری به صورت یکی از عوامل نابرابری درآمدی عمل می‌کند (حلقه افزایش اشتغال R8) (کمیحانی و محمدزاده، ۱۳۹۳؛ نظری و مظاهری، ۱۳۹۰).

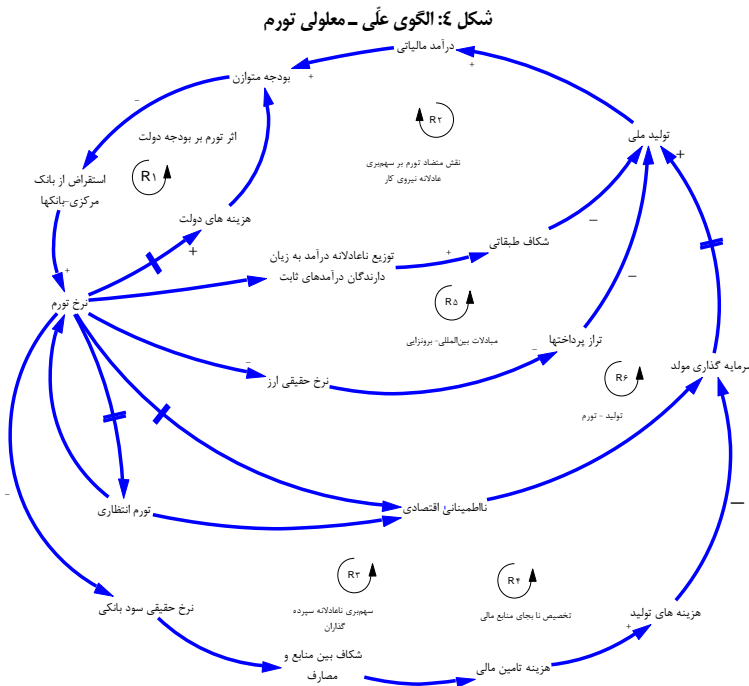
افزایش اشتغال بودجه تأمین خدمات اجتماعی موجود را بالا می‌برد (حلقه اشتغال R3). به واسطه بهبود توزیع خدمات اجتماعی، نیازهای اساسی فقرا تأمین می‌گردد و همین سبب کاهش جرم و جنایت و افزایش رضایت عمومی می‌شود (سلامت اجتماعی - اقتصادی R6) (مهرگان و محسنی، ۱۳۹۱).

تحقیقات متعددی در زمینه ارتباط بین نرخ تورم و شکاف طبقاتی انجام شده است. نتایج همه پژوهش‌ها حاکی از تأثیر منفی افزایش نرخ تورم بر توزیع درآمد است (حلقه تورم و توزیع درآمد واقعی R4 و R5) (نیلی و فرح‌بخش، ۱۳۷۷).

تلاش برای بهبود فضای کسب و کار (ادامه از زیر الگوی مالیات) سبب افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و به تبع آن افزایش اشتغال می‌شود. هرچه میزان حضور بخش خصوصی و تعاونی در مقابل بخش دولتی بیشتر

شود، سازوکار بازار در فرایند قیمت‌گذاری و تخصیص منابع قوی‌تر می‌شود (سازوکار بازار و تخصیص بهینه منابع R9)، (نیلی و فرحبخش، ۱۳۷۷). بنابراین تلاش دولت برای بهبود فضای کسب و کار به دو طریق سبب کاهش شکاف طبقاتی و بهبود تحقق عدالت می‌شود: اول، از طریق گسترش سازوکار بازار سبب توزیع عادلانه درآمد بین عوامل تولید می‌شود. دوم، با افزایش اشتغال، شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد.

ج. روابط علی زیر الگوی تورم



در صورتی که دولت‌ها در مواجهه با کسری بودجه، ساده‌ترین روش را برای جبران آن انتخاب کنند و از طریق استقراض از بانک مرکزی یا بانک‌ها این کسری را جبران کنند، این عمل سبب افزایش پایه پولی شده و به تبع آن افزایش نقدینگی و تورم را به همراه خواهد داشت. نرخ تورم دو رقیمی مزمَن بر بخش‌های گوناگون اقتصاد آثار مخربی دارد. در ادامه، به بررسی سازوکار اثرگذاری مخرب تورم بر تولید ملی می‌پردازیم:

آثار مخرب تورم بر توزیع درآمدها

فقدان تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و درآمدها موجب می‌شود درآمد واقعی برخی از طبقات و گروه‌های درآمدی (درآمدهای متغیر) به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر (درآمدهای ثابت) افزایش یابد. در واقع صاحبان درآمدهای متغیر غالباً با انتقال بار تورمی به دیگران مانع از کاهش درآمد واقعی خود می‌شوند، ولی نامعین بودن

نرخ تورم آتی موجب افزایش نرخ حقوق و دستمزد کمتر از نرخ تورم انتظاری می‌شود و در نتیجه، درآمد واقعی عوامل تولید کاهش خواهد یافت. با توجه به اینکه کالاهای ضروری بی‌کشش یا کم‌کشش است، تورم‌های مزمّن و دو رقیمی آثار رفاهی مخربی بر طبقات محروم جامعه خواهد داشت (سه‌م‌بری ناعادلانه نیروی کار R1) (رحمانی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۷۵).

اثرات تورم بر پس‌انداز

تورم سبب کاهش ارزش حقیقی دارایی‌های نقدی می‌شود. در شرایط تورمی اقبال عمومی به نگه‌داری پول نقد و پس‌انداز کاهش می‌یابد و تقاضا به سمت خرید دارایی‌های غیرنقدی، به‌ویژه کالاهای غیرمبادله‌ای متمایل می‌شود. در حقیقت به سبب برتری نسبی منافع دارایی‌های غیرنقدی به نرخ سپرده بانکی، به سبب کاهش نرخ سود حقیقی (چه بسا منفی شدن آن)، سپرده‌گذاری در بانک‌ها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، به علت آنکه در شرایط تورمی وام‌گیرندگان منتفع و سپرده‌گذاران متضرر می‌شوند، ناترازی منابع بانکی ایجاد می‌شود. با توجه به ناکارآمدی بازارهای مالی در تأمین نقدینگی موردنیاز تولیدکنندگان و نامناسب بودن فضای کسب‌وکار، هزینه تولید افزایش می‌یابد. بخش تولید با توجه به بازدهی مثبت بازارهای رقیب تضعیف می‌شود و در نهایت با کاهش حجم سرمایه‌گذاری، تولید ملی کاهش می‌یابد (سه‌م‌بری ناعادلانه صاحبان نهاده‌های مالی R3). همچنین با توجه به هزینه بالای تولید و سودآوری بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه، سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد رونق می‌گیرد (ناکارآمدی تخصیص منابع R4).

آثار تورم بر بودجه دولت

با افزایش تورم، میزان مخارج دولت افزایش می‌یابد؛ به این معنا که به واسطه تورم بالا، هزینه عوامل تولیدی (مانند دستمزد نیروی کار) افزایش می‌یابد. همچنین دولت مجبور است مانند سایر مصرف‌کنندگان، کالاهای مصرفی خود را نیز با هزینه بالاتری نسبت به دوره قبل خریداری کند. بنابراین به واسطه ادامه تورم مزمّن، در صورت عدم افزایش منابع درآمدی، دولت برای تأمین مخارج خود دچار کسری بودجه مداوم می‌شود. در واقع نرخ تورم با یک تأخیر، درآمد دولت را در دوره‌های آتی کاهش می‌دهد (تأثیر تورم بر بودجه دولت R3).

اثر تورم بر روابط بازرگانی خارجی

با افزایش نرخ تورم داخلی و پایین بودن نرخ تورم کشورهای طرف مبادله، در صورتی که نرخ ارز متناسب با نرخ تورم تعدیل نشود، کالاهای داخلی رقابت خود را در مقابل رقبای خارجی از دست می‌دهند. در این صورت تراز پرداخت‌ها با کسری مواجه می‌شود و به تبع آن تولید ملی کاهش می‌یابد (مبادلات بین‌المللی R5) (مشکین، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵).

جدول ۲: مطابقت مؤلفه‌های رکن عدالت با الگوی پویایی سیستمی

اقتصاد مقاومتی	مدل پویایی سیستمی
مؤلفه‌های رکن عدالت	حلقه‌های روابط علی الگو
شالوده عادلانه اقتصاد	مجموعه زیر الگوهای شکاف طبقاتی، مالیات و تورم
شفافیت اقتصاد	حلقه R5 (قانون‌گرایی در زیرالگوی مالیات)
سلامت اقتصاد	حلقه R6 (سلامت اجتماعی اقتصادی در زیرالگوی شکاف طبقاتی)
فقدان اسراف (کارایی)	حلقه R1 (افزایش کارایی و نفی اسراف در زیرالگوی شکاف طبقاتی)
فقدان تبذیر (اثربخشی)	حلقه R4 (تبذیر، تخصیص نابه‌جای منابع مالی در زیرالگوی تورم)
پوشش تأمین اجتماعی و فقدان محرومیت اقتصادی	حلقه R7 (حرکت در جهت تحقق عدالت باز توزیعی در زیرالگوی شکاف طبقاتی)
مشارکت فراگیر آحاد جامعه و عدم انحصار (مردمی‌بودن اقتصاد)	حلقه R9 (سازوکار بازار و تخصیص بهینه منابع در زیرالگوی شکاف طبقاتی)
اعطای کامل حقوق عوامل تولید (سهام‌بری عادلانه)	حلقه‌های R1 و R2 (نقش متضاد تورم بر سهم بری عادلانه حقوق بگیران در زیرالگوی تورم)
وجود عدالت توزیعی	حلقه R9 و R4 (سازوکار بازار و تخصیص بهینه - سهم عادلانه - منابع تولید در زیرالگوی شکاف طبقاتی) حلقه R8 (اشتغال و بهبود توزیع درآمد در زیرالگوی شکاف طبقاتی)
فقدان شکاف درآمدی	حلقه R7 (حرکت در جهت تحقق عدالت باز توزیعی در زیرالگوی شکاف طبقاتی)
قانون‌گرایی	حلقه R5 (قانون‌گرایی در زیرالگوی مالیات)
قانون‌گرایی انضباط اقتصادی	حلقه R10 (انضباط مالی - اقتصادی در زیرالگوی مالیات)

براساس جدول فوق، نمودارهای علی تمام مؤلفه‌ها را پوشش داده است.

نتیجه‌گیری

برقراری عدالت سبب کاهش شکاف طبقاتی، کاهش فقر و فساد و استفاده برابر از امکانات و فرصت‌ها برای تمام افراد جامعه می‌شود؛ به همین سبب، عدالت یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی قرار داده شده است. این مقاله کوشیده با بررسی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مؤلفه‌های مرتبط با عدالت اقتصادی را استخراج و با توجه به مفاهیم «عدالت اقتصادی» و عوامل ایجادکننده آن، نقشه راه رسیدن به این هدف را نشان دهد تا از این رهگذر با توجه به ساختار اقتصادی کشور، سازوکار عملیاتی تحقق آن و موانع بنیادین افزایش شکاف طبقاتی تعیین شود.

به علت آنکه عدالت را در چارچوب اقتصاد مقاومتی بررسی می‌کنیم، مبنای نظری الگو را فرمایش‌های مقام معظم رهبری در باب «عدالت» قرار دادیم که به تفصیل در مروری بر ادبیات نظری بیان شد. آنچه از بیانات مقام معظم رهبری درباره مفهوم «عدالت» مشخص می‌شود این است که ایشان کاهش شکاف طبقاتی، کاهش فقر و فساد و استفاده برابر از امکانات و فرصت‌ها برای تمام افراد جامعه را از جمله مهم‌ترین نتایج تحقق عدالت می‌داند. با توجه به سخنان ایشان در باب «عدالت»، با اجرای عدالت نه تنها شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد، بلکه ثروت و رفاه جامعه نیز افزون می‌گردد. بنابراین کاهش شکاف طبقاتی در کنار افزایش درآمد ملی سرانه حقیقی از ثمرات اجرای عدالت اقتصادی به‌شمار می‌آید.

با توجه به روابط علی و معلولی شکاف طبقاتی، کنترل تورم و افزایش مالیات، راه کارهایی به منظور تحقق اهداف عدالت اقتصادی پیشنهاد می‌شود. شایان ذکر است که اگرچه برخی از این راه کارها بدون نیاز به تحلیل پویایی‌شناسی سیستمی نیز قابل ارائه بوده، اما ارائه نحوه تعامل پویایی آنها در میدان عملی شبیه‌سازی شده اقتصاد و نگاه سیستمی و پویا به روابط متغیرهای مؤثر بر شکاف طبقاتی، از مزایای به دست آمده از رویکرد پویایی سیستمی است. همان گونه که در ابتدا نیز بیان شد، ترسیم نمودارهای علی فقط براساس مبانی نظری (فرضیه دینامیکی) ترسیم شده و تطابق مؤلفه‌های عدالت در اقتصاد مقاومتی با الگوهای دینامیکی موجب فهم بهتر موانع بنیادین افزایش شکاف طبقاتی است و با مقایسه حلقه‌های علی - معلولی الگوی پویایی سیستمی با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، درک بهتری از نقشه راه رسیدن به عدالت اقتصادی در قالب اقتصاد مقاومتی حاصل می‌شود.

یکی از نتایج اولیه از الگوی هسته مرکزی (شکاف طبقاتی) این است که با برقراری عدالت اقتصادی درآمد سرانه حقیقی افزایش می‌یابد. در واقع «اجرای عدالت» به معنای کاهش ثروت از ثروتمندان و دادن آن به فقرا نیست، بلکه با برقراری عدالت ثروت کل و در نتیجه آن سهم هر فرد بیشتر می‌شود. بنابراین الگوی مزبور فرمایش‌های مقام معظم رهبری را تأیید می‌کند.

همچنین تجزیه و تحلیل الگوهای علی نشان می‌دهد که افزایش نرخ تورم و بیکاری سبب افزایش شکاف طبقاتی می‌شود و رشد اقتصادی، ساختار مالیات عادلانه و اعطای یارانه هدفمند سبب کاهش شکاف طبقاتی خواهد شد. از یک سو با کاهش جرایم حاصل از فقر و از سوی دیگر، احساس مثبت حاصل از برقراری عدالت بهره‌وری نیروی انسانی افزایش می‌یابد و در نتیجه آن تولید ملی زیاد می‌شود.

توجه به لایه‌های پنهان الگو نشان می‌دهد بی‌نیازی بودجه دولت به درآمدهای مالیاتی به سبب درآمدهای نفتی، در سالیان گذشته سبب بی‌توجهی به بهبود فضای کسب و کار و عدم اصلاح ساختار مالیاتی شده است. بی‌توجهی به فضای کسب و کار مانع افزایش اشتغال و رقابت‌پذیری بازار گردیده و عدم اصلاح ساختار مالیاتی سبب افزایش شکاف طبقاتی و کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و در نتیجه، وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و افزایش کسری بودجه و کاهش خدمات عمومی دولت شده است.

وابستگی بودجه به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و وزن اندک درآمدهای مالیاتی سبب بی‌انضباطی مالی و پاسخگو نبودن دولت گردیده که حاصل این دو، کسری دایمی بودجه دولت بوده است. این کسری بودجه یکی از عوامل مهم تورم محسوب می‌شود. بدون اصلاح ساختار مالیاتی و اتکای بودجه دولت به درآمد مالیاتی و بهبود فضای کسب و کار نمی‌توان امیدی به کاهش شکاف طبقاتی داشت.

مؤلفه‌های عدالت اقتصادی براساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی استخراج و به منظور یافتن راهکار عملیاتی برای تحقق این هدف (کاهش شکاف طبقاتی و برقرار عدالت)، مؤلفه‌های عدالت با الگوی پویایی سیستمی عدالت تطبیق داده و آسیب‌شناسی شد.

راه‌کاری‌های پیشنهادی

الف. زیرالگوی شکاف طبقاتی

- ارائه خدمات اجتماعی مناسب، مانند بهداشت و آموزش برای عموم جامعه (مساوات و نفی تبعیض)؛
- ارائه خدمات اجتماعی متناسب با دهک‌های درآمدی به منظور تأمین نیازهای اساسی و اولیه؛
- افزایش اشتغال بخش خصوصی (خصوصی و تعاونی) به منظور کاهش شکاف طبقاتی حاصل از بهبود فضای کسب و کار؛
- لزوم شفاف‌سازی جریان درآمدی افراد حقیقی و حقوقی به منظور ارائه بهتر خدمات اجتماعی.

ب. زیرالگوی مالیات

- قطع تدریجی وابستگی بودجه دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده‌ها؛
- اصلاح ساختار مالیاتی برای تحقق مالیات عادلانه (مالیات عمودی و افقی)؛
- لزوم شفاف‌سازی جریان درآمدی افراد حقیقی و حقوقی به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی؛
- بهبود فضای کسب و کار به منظور بهبود درآمدهای مالیاتی؛
- افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت دولت حاصل از وابستگی بودجه دولت به درآمدهای مالیاتی (افزایش کارایی)؛
- مهار کسری بودجه دولت حاصل از انضباط مالی دولت (جلوگیری از اسراف و تبذیر)؛
- مهار تورم حاصل از کسری بودجه دولت.

ج. زیرالگوی تورم

- کاهش نرخ تورم (انضباط و شفافیت مالی دولت)؛
- برقراری نظام ارزی شناور مدیریت‌شده (افزایش نرخ ارز رسمی متناسب با نرخ تورم) به منظور حمایت از صادرات؛
- کاهش هزینه‌های تولید به منظور هدایت سرمایه‌ها به سمت سرمایه‌گذاری مولد همراه با بهبود فضای کسب و کار؛

- کاهش سودآوری بخش‌های غیرمولد در رقابت با تولید مولد با وضع مالیات.

پیشنهاد می‌شود با توجه به قابلیت‌های رویکرد پویایی سیستم‌ها، با لحاظ بنیان‌ها و ستون فقرات و کانون‌های اصلی اقتصاد مقاومتی، اهداف و موضوعات کلیدی نظیر مقاومت و پیشرفت اقتصادی و رویکرد جهادی نیز الگوسازی شوند و به تدریج، با مشارکت میان‌رشته‌ای صاحب‌نظران خبره، متعهد و انقلابی، الگوی جامعی از اقتصاد مقاومتی معرفی و با نظرخواهی و مشارکت مجامع گوناگون، بدون شتابزدگی و ذهنی‌گرایی خیال‌پردازانه، الگوی پویای فراگیر اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک آرمان اسلامی شکل داده شود تا زمینه شاخص‌سازی برای ارزیابی میزان تحقق نیز فراهم گردد و راه را برای برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی نیز هموار سازد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۹۰، ترجمه علی شیریانی، قم، معارف.

بخشی دستجردی، رسول، ۱۳۹۰، «بررسی اثر عدالت بین زمانی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نقش ارجحیت زمانی مطالعه موردی

اقتصاد ایران»، پژوهش‌های اقتصادی، ش ۱۱، ص ۱۹-۴۱.

جلالی نائینی، احمدرضا و محمدرضا میرحسینی، ۱۳۷۷، «یک الگوی تلفیقی تورم: فشار هزینه و اضافه تقاضا»، برنامه‌ریزی و

بودجه، ش ۳۴-۳۵، ص ۹۱-۱۰۶.

جعفری صمیمی، احمد و صدیقه قلی‌زاده کناری، ۱۳۸۶، «بررسی رابطه تورم و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه: شواهدی

جدید»، نامه مفید، ش ۶۳، ص ۴۵-۵۸.

رحمانی، تیمور، ۱۳۹۴، اقتصاد کلان، چ پانزدهم، تهران، برادران.

سبحانی، حسن، ۱۳۹۳، «پژوهشی در استخراج معیارهای حق و عدل در بانکداری بدون ربا»، اقتصاد اسلامی، ش ۵۵، ص ۸۹-۱۲۰.

عبدالملکی، حجت، ۱۳۹۲، اقتصاد مقاومتی نظریه‌ها و راه‌کارها، تهران، دانشگاه امام صادق ع.

عیوضلو، حسین، ۱۳۸۶، شاخص‌های عدالت اقتصادی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

کمیحانی، اکبر و سید محمود علوی، ۱۳۷۸، «اثرات متقابل تورم و رشد اقتصادی در ایران: یک تحلیل اقتصاد سنجی با تأکید بر علل

تورم و منابع رشد»، در: همایش بین‌المللی بانک مرکزی.

کمیحانی، اکبر و فریدون محمدزاده، ۱۳۹۳، «تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی»، پژوهش‌ها و سیاست‌های

اقتصادی، ش ۶۹، ص ۵-۲۳.

مشکین، فریدریک، ۱۳۹۰، اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی، تهران، دانشگاه امام صادق ع.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱، عدل الهی، تهران، صدرا.

موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، چ نهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ع.

مهرگان، نادر و الهه محسنی، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه علی بین فقر و فساد در کشورهای در حال توسعه»، رفاه اجتماعی، سال

دوازدهم، ش ۴۶، ص ۲۹-۵۶.

نعمتی، محمد و فرزاد جهانبین، ۱۳۹۴، «معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، ص ۱۰۳-۱۲۲.

نیلی، مسعود و علی فرحبخش، ۱۳۷۷، «ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۳۴ و ۳۵، ص ۱۲۱-۱۵۴.

نظری، روح‌الله و لیلا مظاهری، ۱۳۹۰، «ارتباط تورم و توزیع درآمد در ایران»، سیاسی و اقتصادی، ش ۲۸۴، ص ۲۰۶-۲۲۱.

Barlas, Y., 2002, "System dynamics: systemic feedback modeling for policy analysis", in *knowledge for sustainable development—an insight into the encyclopedia of life support systems*, Paris, France, Oxford, UK: UNESCO Publishing—Eolss Publishers.

Chen, Ching ho; Liu, Wei-lin; Liaw, Shu-liang; yu, Chien-Hwa, 2005, "Development of a dynamic strategy planning theory and system for sustainable river basin land use management", *Science of the Total Environment*, N. 17, p. 1-21.

Forrester, J. W., 1968, *Principles of systems* (Second preliminary edition), Cambridge, MA, Wright-Ilen.

Forrester, J. W., 1969, *Urban dynamics*, Cambridge, MA, The M.I.T. Press.

Lane D.C & Oliva, R., 1998, "The greater whole: Towards a synthesis of system dynamics and soft systems methodology", *European Journal of Operational Research*, N. 107, p. 214-235.